

تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۶/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۷/۲۱

## حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر و حقوق ایران

۴۹

دوفصلنامه مطالعات  
حقوق بشر اسلامی

حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر و حقوق ایران  
ابوالفضل سلیمیان و همکاران

ابوالفضل سلیمیان<sup>۱</sup>

عبدالله صدیقیان<sup>۲</sup>

امراالله ساجدی<sup>۳</sup>

۱- کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، یزد، ایران.

۲- استادیار حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، یزد، ایران.

۳- کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد میبد، یزد، ایران.

### چکیده

حق برخورداری از وکیل، از مهم‌ترین شروط فرایند دادرسی عادلانه در محاکم داخلی و بین‌المللی می‌باشد. این حق لازمه و مقدمه اجرای مطمئن حق دیگری است که در اسناد حقوق بشری "حق دفاع" نامیده می‌شود. اغلب محکوم، از حقوق قانونی خود مطلع نیست و نمی‌تواند ادعاهای خود را آن گونه که باید و شاید به سمع قضات برساند از این رو حق داشتن وکیل یکی از تضمینات حقوق دفاعی متهم است که در اسناد بین‌المللی متعددی مورد تصریح قرار گرفته است. به عنوان مثال در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی به این حق مسلم متهم تأکید شده است. از آنجایی که امروزه تخصص حرف اول را می‌زند به همین اعتبار در اکثر کشورهای دنیا وکالت الزامی شده است. در جمهوری اسلامی ایران نیز شرکت وکیل مدافع در جرائم مستوجب قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد اجباری می‌باشد و بالطبع باید به اندازه کافی وکیل وجود داشته باشد. علاوه بر این مطابق اصل ۳۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در همه دادگاه‌ها طرفین حق دارند برای خود وکیل انتخاب کنند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم شود. قانونگذار برای اشخاصی که توان پرداخت دستمزد وکیل را ندارند، امکان استفاده از وکیل معاضدتی را پیش‌بینی نموده است.

**کلید واژه‌ها:** حق داشتن وکیل، حقوق بشر، حقوق ایران، حقوق عمومی، حقوق خصوصی.

حق داشتن وکیل یکی از تضمینات حقوقی دفاعی متهم است که در اسناد حقوق بشر مصراً به آن تأکید شده است. به عنوان مثال در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی و فرهنگی، اجتماعی به این حق مسلم متهم تأکید شده است. در ایران حقوقدانان آنجا که مبانی و اصول "امنیت قضایی" که در واقع مهم تر از امنیت اجتماعی فردی و اقتصادی است را بر می شمردند اصول متعددی را احصاء می نمایند از جمله: منع بازداشت افراد به صورت غیرقانونی، تفهیم اتهام، گرفتن آخرین دفاعیات و ... اما یکی از جمله اصول مهم را حق داشتن وکیل برای متهم در دادرسی ها می شمردند. (هاشمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۱۳) قانونگذار ما هنگام تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی و قبل و بعد از آن سایر مراجع ذیصلاح این مورد را ملحوظ داشته اند. به عنوان مثال در حقوق موضوعه کشور، هیچ متهمی در دادگاه های کیفری یک نمی تواند این حق را از خود سلب نماید. اگر این کار را انجام دهد دادگاه نپذیرفته و به هر حال در صورت عدم داشتن وکیل انتخابی از سوی دادگاه وکیل تسخیری برای او مشخص می شود. همچنین اگر این نکته ملحوظ واقع نشود از اسباب نقض رأی در دیوان عالی کشور به شمار می رود. از جمله مهم ترین مباحث مطروحه در حقوق اساسی، حقوق عمومی افراد می باشد که تحت عنوان "حقوق ملت" ثبت شده است. (پیشین، ج ۲، ص ۴۹۱) دولت ملزم به صیانت از کلیه حقوق عمومی و خصوصی آحاد ملت است مثل این حق، که منشعب از حقوق ناشی از اجرای عدالت می باشد تمامی افراد چه متهم و چه شاکی (خواهان یا خوانده) دوست دارند که عدالت در موردشان اجرا شود. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۳۲۰) و عدالت از ملزومات دستگاه قضایی است این دستگاه به اشخاص حقوقدان و بصیر مثل دادستان، بازپرس، دادیار، دادرس که همه در یک کلام قضات تحصیل کرده هستند مجهز است و آنها به نمایندگی از طرف قدرت عمومی افراد را تحت تعقیب و سرانجام آنها را محکوم یا تبرئه می نمایند. بنابراین به خاطر اینکه دو طرف کفه ترازوی عدالت یکسان باشد لازم است تا افرادی این طرف کفه ترازو به منظور دفاع و راهنمایی از افراد حاضر باشند. عدم رعایت حق مزبور مستلزم نفی تعادل میان طرفین دعوی و عدم اجرای صحیح عدالت در جامعه است. به هر حال "حق داشتن وکیل" از باب آزادی های عمومی و بنا به ضرورت های امروزی اجتماعی، پیشرفت تکنولوژی، گستردگی ارتباطات، و ... یکی از جمله حقوق عمومی مردم می باشد که شامل تمام افراد ملت اعم از زن و مرد، کبیر یا صغیر، با اهلیت یا محجور شده و این حقوق (عمومی)

بر عکس حقوق سیاسی مخصوص یک عده از افراد ملت که دارای شرایط معین باشند نبوده و بالاعم تمامی اهالی این مرز و بوم می توانند از آن متمتع شوند. (عراقی، ۱۳۳۱، ص ۱۰۵) توجه به این نکته نیز ضروری است که در مناسبات اقتصادی با کشورهای خارج هم حضور و نقش وکیل از جهت تنظیم حقوقی این روابط از لوازم غیر قابل انکار است. و دیگر سخن اینکه یکی از دلایل استاندارد نبودن محاکمات قضایی که همواره در رأس ایرادات حقوق بشری نمایندگان سازمان ملل در گزارش‌ها آمده است همین نقائص ساز و کارهای قانونی و اجرایی مربوط به حضور و نقش وکیل در محاکم زیر مجموعه قوه قضاییه جمهوری اسلامی است. نوسازی قانونی در این بخش و تغییر نوع نگاه قوه قضاییه به وکیل ضرورتی است که غفلت از آن از جهات مادی و معنوی، بسیار زیانبار خواهد بود. (ریاحی، ۱۳۸۰، ص ۱۲) چنین مباد که هرگز در جمهوری اسلامی متهمی بدون داشتن ابراز دفاعی در مقابل ترازوی عدالت قرار گیرد و حقوق شهروندی او رعایت نشود. حضور وکلای دادگستری در پرونده‌های جزائی ضامن سلامت دادرسی است و فراموش نباید کرد متهم تا زمانی که محکومیت قطعی پیدا نکند، فقط یک متهم است. بنابراین این مقاله تلاش خواهد کرد تا حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر و حقوق ایران را بررسی کند و پاسخ مقتضی را برای سؤال زیر ارائه نماید:

حق داشتن وکیل در حقوق بشر و حقوق موضوعه ایران به چه صورتی نمود عینی پیدا کرده است؟ فرضیه این سؤال آن است که به نظر می رسد حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر بین الملل بر پایه قوانین و قواعد ارائه شده در صدر اسلام صادر گردیده است و در بسیاری از موارد منطبق با آن می باشد. در حقوق موضوعه ایران نیز داشتن وکیل در دادگاهها از حقوق واجب و اجباری متهم می باشد و هیچ متهمی بدون بهره گیری از دفاعیات وکیل مدافع خود مجازات نخواهد گردید. این مقاله در ۳ مبحث تنظیم شده است. در مبحث اول به حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر می پردازیم. در مبحث دوم جایگاه حقوقی حق داشتن وکیل در حقوق ایران مورد بررسی قرار می گیرد و در مبحث پایانی نیز به حق داشتن وکیل در دادگاه های اطفال و اداری خواهیم پرداخت.

## ۲- حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر

حق برخورداری از وکیل امروزه به عنوان یکی از بدیهی ترین حقوق شهروندان در تمام نقاط دنیا شناخته شده است. این حق در اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر و

حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی پیش بینی شده است. لذا اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاه هایی که تشکیل می شود مکلف به پذیرش وکیل می باشند. در این مبحث حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر جهانی و حقوق بشر ایرانی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

## ۱-۲- حقوق بشر جهانی

همان طور که می دانیم حقوق بین الملل با پیشرفت صنعتی و تکنولوژی کشورها شکل امروزی خود را یافته و عمدتاً در صده اخیر قرن ۲۰۰۰ به منصف ظهور رسیده است. اولین سنگ بنای حقوق بشر و تضمین راهکارهای اجرایی آن توسط منشور سازمان ملل گذاشته شد و بعد از منشور، میثاقین (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) مهمترین برگ برنده ضمانت اجرای قواعد حقوق بشر بودند و در این بین ضمانت اجرای میثاق حقوق مدنی و سیاسی بیشتر است. حق داشتن وکیل نیز با طرح در اسناد بین المللی و اسناد حقوق بشر می رود تا جای پای در میان حقوق متمدن انسانی باز کند.

### الف) اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر دارای یک مقدمه و سی ماده است و مقدمه اعلامیه، در بردارنده یک رشته مفاهیم و اندیشه های بنیادی مثل کرامت، آزادی عقیده و بیان و برابری حقوق انسانها و برابری ملت ها و دولت ها و توسعه روابط دوستانه بین ملت هاست. (جانسون، ۱۳۷۸، ترجمه پوینده، ص ۱۱۷) در مورد حق داشتن وکیل این حق به طور صریح در اعلامیه حقوق بشر قید نشده است ولی از مفهوم ماده ۱۱ اعلامیه که مقرر می دارد: "هرکس به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد" می توان استنباط کرد که یکی از موارد تضمین لازم برای دفاع، دسترسی سریع متهم به وکیل و بهره مندی از خدمات مشاوره ای و حقوقی اوست. بنابراین این می توان ماده ۱۱ اعلامیه را به حق داشتن وکیل تعمیم داد.

### ب) منشور سازمان ملل متحد

در تمامی ۱۱۱ ماده منشور ملل متحد، ماده ای که مبین استفاده از وکیل باشد به چشم نمی خورد ولی در فصل چهاردهم راجع به دیوان بین المللی دادگستری در ماده ۹۲ آمده

است: دیوان بین المللی دادگستری رکن قضایی اصلی ملل متحد خواهد بود دیوان مزبور بر طبق اساسنامه پیوست که بر مبنای اساسنامه دیوان دایمی دادگستری بین المللی تنظیم شده و جزء لاینفک این منشور است انجام وظیفه می کند. (فاخر، ۱۳۵۷، ص ۴۶) حال اینکه در اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری حق داشتن وکیل بالصراحه در بند ۲ ماده ۴۲ ذکر شده است: "طرفین می توانند در محضر دیوان از مشاورین حقوقی و یا وکلای دادگستری کمک بگیرند" و در بند ۳ ذیل همان ماده آورده است: "نمایندگان و مشاورین و وکلای طرفین در محضر دیوان دارای مزایا و مصونیت هایی خواهند بود که برای انجام آزادانه وظایف آنها لازم می باشد. (ناصرزاده، ۱۳۷۲، ص ۳۵۲)

### ج) میثاق حقوق مدنی سیاسی

حق داشتن وکیل در این میثاق و در بند دال ماده ۱۴ این میثاق به صراحت آمده است: "هرکس حق دارد در محاکمه حاضر بشود و شخصاً یا به وسیله وکیل منتخب خود، از خود دفاع کند و در صورتی که وکیل نداشته باشد حق داشتن وکیل به او اطلاع داده شود و در مواردی که مصالح دادگستری اقتضاء نماید از طرف دادگاه رأساً برای او وکیل تعیین بشود که در صورت عجز او از پرداخت حق الوکاله هزینه ای نخواهد داشت. (عبادی، ۱۳۷۳، ص ۱۴) به نظر می رسد حق داشتن وکیل با توجه به اینکه میثاق حقوق مدنی و سیاسی از ضمانت اجرای بالایی برخوردار است و بالصراحه در ماده ۱۴ این میثاق قید شده و اکثریت کشورها به میثاق پیوسته اند بنابراین به طور ضمنی هم آن کشورها این حق را برای اتباع خود و دیگر کشورها پذیرفته اند.

### ۲-۲- حقوق بشر ایرانی:

کنفرانس بین المللی حقوق بشر در تهران در سال ۱۹۶۸ میلادی برابر با دوم اردیبهشت ۱۳۴۷ با شرکت نمایندگان دولتی ۸۴ کشور جهان از جمله واتیکان به ریاست اشرف پهلوی برگزار شد و در ساختمان جدید مجلس شورای اسلامی که محل کنفرانس بود قطعنامه شماره ۱۹ راجع به توسعه معاضدت قضایی برای حمایت از حقوق بشر و توصیه به ملل راجع به تسهیل کمک های قضایی به کشورهای عضو که در صدد گسترش دسترسی معاضدت قضایی هستند به تصویب رسید. (متین دفتری، ۱۳۴۸، ص ۲۱۸) اعلامیه کنفرانس از یک مقدمه و ۱۹ بند (بدون اینکه عنوان ماده بر آن اطلاق شود) کلی گویی درباره اعلامیه جهانی حقوق بشر و

میثاق حقوق مدنی سیاسی و اجتماعی اقتصادی فرهنگی و تمهیداتی درباره اجرای بهینه آنان می باشد. در مورد حق داشتن وکیل چه منطوقاً و چه مفهوماً از اعلامیه چیزی استنباط نمی شود جز اینکه در بند ۳ به اجرای بهینه میثاق تأکید کرده که البته واضح و مبرهن است حق داشتن وکیل در میثاق حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده است و اثباتاً می توان از این طریق اعلامیه کنفرانس حقوق بشر تهران را در عداد و زمره اسناد در بر دارنده حق داشتن وکیل قرار داد. در کشور ایران اصل ۳۵ قانون اساسی مبین آن است که در همه دادگاه ها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد و در سایر قوانین دادگاه های عمومی و انقلاب مکلفند وکالتنامه تقدیمی وکلای رسمی دادگستری را از کلیه متهمین پرونده های کیفری صرف نظر از نوع اتهام و در هر مرحله از دادرسی که باشد بپذیرند و در صورتی که بین وکیل و موکل، وکالتنامه تنظیم نشده باشد، امکان ملاقات وکیل و موکل را برای امضاء و تنظیم وکالتنامه فراهم آورند زیرا که وظیفه قانونی یک وکیل دادگستری صرفاً حضور در مرحله تحقیق و یا دادرسی نمی باشد بلکه او در جهت حمایت از حقوق قانونی متهم و وظایف مختلف و راهکارهای قانونی از قبیل حق اعتراض به قرارهای صادره و مانند آن را دارد و محروم کردن وکیل مدافع از ان حقوق النهایه منجر به تضییع حقوق متهم خواهد شد. (جداری فروغی، ۱۳۸۰، ص ۳) در تکمله این مبحث بایستی اذعان داشت مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در حقیقت رنسانسی بود در تاریخ پذیرش وکلا در دادگاه ها، حتی این حق برای خارجیان ساکن ایران به عنوان یکی از حقوق عمومی غیر سیاسی شناخته شده است ولی آنان نمی توانند به عنوان وکیل در محاکم شرکت جویند. (مدنی، ۱۳۷۸، ص ۲۵۶) به موجب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰ "اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل را دارند و کلیه دادگاه هایی که به موجب قانون تشکیل می شوند مکلف به پذیرش وکیل می باشند" و به موجب تبصره دو همین قانون "هرگاه به تشخیص دیوان عالی کشور، محکمه ای حق گرفتن وکیل را از متهم سلب نماید، حکم صادره فاقد اعتبار قانونی بوده و برای بار اول موجب مجازات انتظامی درجه ۳ و برای مرتبه دوم موجب انفصال از شغل قضایی می باشد. و در تبصره ۳ این قانون می خوانیم، وکیل در موضع دفاع از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا برخوردار می باشد.

### ۳- جایگاه حقوقی حق داشتن وکیل در حقوق ایران

#### ۳-۱- ارتباط حق داشتن وکیل با حقوق خصوصی

در بین شاخه های اصلی علم حقوق شاید اولین جایی که بحث از حق داشتن وکیل شده حقوق خصوصی باشد و اگر نتوان این ادعا را قبول کرد حداقل می توان گفت که بیشترین نمود این حق را نسبت به سایر رشته های حقوقی در برداشته است. این حق جایگاه اصلی و اولیه اش حقوق خصوصی بوده ولی به دلیل تطورات و تحولات جامعه انسانی به سایر رشته ها تسری پیدا کرده است. در بین شاخه های حقوق خصوصی می توانیم حقوق مدنی را منشأ این حق بدانیم. در حقوق تجارت هم بنا به اصول کلی حقوقی مبحث داشتن وکیل مطرح شده ولی نمودار خاصی از آن را نمی توان پیدا کرد. طرح دعای تجاری در حقوق موضوعه ما شبیه طرح دعای مدنی بوده و یک آیین دادرسی بر آن حاکم است که وکیل هم می تواند در این بین وکالتاً وارد دعوا شود که البته جایگاه طرح این مسأله در آیین دادرسی مدنی است که خود رشته ای است از حقوق داخلی و باز در مبحث شرکت ها در حقوق تجارت بحثی مطرح می شود تحت عنوان ثبت تغییرات، ثبت تأسیس و ثبت انحلال شرکت که وکیل می تواند وکالتاً ذیل دفاتر اسناد رسمی را امضا نماید. رویه جاری حاکم بر سازمانهای ثبت اسناد و املاک کشور چنین است. جهت ثبت مراحل سه گانه، شرکتها دو نوع وکالت را می پذیرند: ۱- وکالتی عادی که معمولاً در بندهای آخرین اساسنامه های شرکتها به مدیر عامل یا یکی از اعضای هیأت مدیره با حق توکیل به غیر وکالت می دهند تا امر مورد نظر را ثبت نمایند. و ذیل دفاتر اسناد رسمی را امضا کنند و یا هنگام ثبت تغییرات تمامی اعضاء هیأت مدیره به مدیر عامل یا شخص دیگر از اعضا با وکالت عادی دست نویس وکالت ثبت تغییرات مورد نظر در دفاتر ثبت را می دهند البته این وکالت بایستی مورد تأیید رؤسای اداره ثبت شرکتها واقع شود. (شهری، ۱۳۶۸، ص ۷۸) ۲- یکی از وکلای رسمی دادگستری به وسیله اعضا انتخاب می شود تا وی به سازمان ثبت اسناد و املاک مراجعه نموده و مراحل مورد نظر را ثبت نماید. به علت عدم تسلط بسیاری از افراد مؤسس شرکت بر قوانین، معمولاً سراغ این وکلای رفته و یا به دلالت آن یا واسطه هایی که رابط بین مراجعین و ثبت هستند مراجعه می کنند. و تقریباً به علت اینکه احتیاج به فعالیت قوای دماغی چندانی ندارد، وکیل لایحه دفاعیه نمی نویسد، قوانین را بررسی نمی کند و مثل وکلای مدافع نیست که پیروزی موکل پیروزی وی و محکومیت او شکست وکیل باشد لذا عده ای از وکلای فقط از این راه امرار معاش می کنند.

## ۲-۳- ارتباط حق داشتن وکیل با حقوق جزا

از جمله مواردی که ضرورت و اهمیت مداخله وکیل در امر قضاء را ایجاب کرد و یا بهتر است بگوییم یکی از جمله مهمترین موقعیت هایی که امکان سلب آزادی و تضییع حقوق مردم به شمار می رود در این قسمت است. در موارد جزایی دستگاه دادسرا و دادگاه با ضمانت اجرای محکمی و مجازاتهایی چون اعدام، حبس، شلاق و غیره به تعقیب متهمین و یا مظنونین می پردازد و در اینجا است که بسیاری از افراد از ترس یا به لحاظ مصلحت کاری و یا به علل دیگر مرعوب جو موجود شده و بر علیه خود اقدام می نمایند. (ناصرزاده، ۱۳۷۲، ص ۱۵۳) به اعتقاد بعضی از حقوقدانان در تحقیقات کیفری چهار نظریه جهت استفاده از وکیل و مشاور قضایی ابراز شده است: الف) متهم یا مظنون از ابتدا تا انتهای تحقیقات جنائی حق ندارد از مشاور قضایی استفاده کند. ب) متهم یا مظنون در آغاز تحقیقات جنائی (مرحله ابتدایی) حق استفاده از مشاور قضایی را ندارد. ج) هرکس به محض دستگیر شدن باید بتواند از خدمات مربوط به مشورت قضایی برخوردار شود. د) نتیجه اعطای حق استفاده از مشاور قضایی به مظنون یا متهم با اصول حقوق بشر سازگارتر است. و نظرهای ابراز شده قبلی خلاف حقوق بشر می باشد. (انصاری، ۱۳۷۵، ص ۵۲۲) در نظام ایران وکیل مدافع (فقط یکی از وکلای رسمی دادگستری) متهم می تواند در محل تحقیق جرم مشهود و نیابت قضایی همراه متهم باشد ولی حضور وکیل در تحقیقات جنبه نظارتی دارد نه دخالتی. (خلعتبری، ۱۳۸۳، ص ۷۷) به دلیل اینکه کشور ما اعلامیه جهانی حقوق بشر را پذیرفته و بر آن مقید بوده لذا ماده ۱۱ اعلامیه مذکور چنین اشاره می کند: "هرکس به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد. (ناصرزاده، ۱۳۷۲، ص ۸۸) بنابر این هم منطوق این اعلامیه و هم روح سایر مصوبات و منشور ملل متحد و سایر اعلامیه های منطقه ای حقوق بشر مبنی بر حفظ حق و حقوق فردی افراد است یکی از جمله پایه های اساسی ایجاد امنیت قضایی در هر کشوری همین حق داشتن وکیل است و صرف نظر از نص قوانین در محاکم برخلاف دادسراها این حق بهتر شناسایی و مورد استقبال قرار گرفته است در این خصوص مستنداً به رأی وحدت رویه شماره ۱۵ مورخ ۱۳۶۳/۶/۲۸ هیأت عمومی دیوان عالی کشور اشاره می شود که در کلیه محاکم کیفری یک جمهوری اسلامی ایران شرکت وکیل مدافع در جرایمی که مستلزم مجازات حبس دائم یا اعدام باشد اجباری و در سایر موارد اختیاری است.



### ۳-۳- ارتباط حق داشتن وکیل با حقوق عمومی

یکی از شاخه های حقوق عمومی، حقوق اساسی است که در آن حق مذکور قابل بحث است و به لحاظ اشتراک مبحث حق داشتن وکیل در حقوق اساسی جمهوری اسلامی به لحاظ اهمیت موضوع و پاسداری هرچه بیشتر حاکمیت از حقوق فردی و صیانت افراد و پیش بینی اهرم های لازم جهت دفاع در هنگام محاکمه افراد حق داشتن وکیل در قوانین اساسی بسیاری از کشورها گنجانده شده، چه اینکه قانون اساسی در حکم ام القوانین بوده و بیشتر مد نظر و مطمح توجه آحاد همه ملت ها و کشورها می باشد. طبعاً ضمانت اجرای بیشتر و سخت تری برای آن حتی نسبت به قوانین عادی در موقع نقض پیش بینی می شود. (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۷، ص ۱۵) از این بابت حق داشتن وکیل هنگام تصویب و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی طی اصل ۳۵ در این قانون پیش بینی شده: "در همه دادگاهها طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد" اما یکی دیگر از رشته های حقوق عمومی، حقوق اداری است که در آن مواردی به شرح ذیل قابل بحث است. در آنجا که از اشخاص حقوقی حقوق عمومی نام برده شده و مواردی از آن احصا می شود نام سازمان حرفه ای کانون وکلا مطرح می گردد. قابل تذکر است که در این باب کانون وکلا از جهت شخصیت مستقل حقوقی خود و جایگاهش در بین اشخاص حقوقی حقوق عمومی نمودار می شود، و در جای دیگر از این شاخه حقوق عمومی (حقوق اداری) تحت عنوان "همکاری اجباری با اداره" وکالت تسخیری طرح و از بعد ارتباط با اداره مورد مذاقه و تفحص قرار می گیرد. (ابوالحمد، بی تا، ص ۹) اما با آنکه قانون رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان بخش دولتی کشور در بسیاری از موارد جهت رسیدگی به تخلفات مصرح در قانون رسیدگی به تخلفات اداری به سایر قوانین و از جمله قانون آیین دادرسی مدنی متشبت شده است و لیکن این حق مسلم (حق داشتن وکیل) برای متهمین و محکومین دادگاه های اداری متأسفانه شناخته شده نیست. در آیین نامه مربوط نیز سخنی در این ارتباط به میان نیامده است و جا داشت که قانونگذار عطف توجهی در این راستا مبذول می داشت و این حق را نیز مثل بقیه قوانین برای کارمندان متهم می شناخت. از مباحث جالب توجه که طرح آن در این قسمت لازم است "حق داشتن وکیل برای دولت است" سؤال این است که آیا دولت هم احتیاج به وکیل جهت طرح و اقامه دعوی یا دفاع از آن دارد یا خیر؟ دولت با آنکه خود قدرت حاکم است آیا چنین نیازی وجاهت دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد که جواب این سؤال مثبت باشد چه اینکه در این مقام دولت هم یک شخص حقوقی است که حیات دارد، بنابراین یک سری حقوق و وظایفی دارد و ممکن است حق و حقوقش مورد تجاوز اشخاص حقیقی یا حقوقی خصوصی و حتی اشخاص حقوقی عمومی قرار گیرد و جهت جلوگیری از سوء استفاده از قدرت و منع از مداخله قوای حاکم در وظائف همدیگر تمامی اشخاص و از جمله دولت جهت احقاق حق بایستی به قوه قضاییه (دادگستری) مراجعه و به وسیله کارمندانش به اقامه یا دفاع از دعوی بپردازد. اصل ۳۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دادخواهی را حق مسلم هر فرد می‌داند و هم افراد ملت را به منظور دادخواهی و رجوع به دادگاه صالح ذی حق می‌شناسد. با این حال ماده ۱ تصویب نامه انعقاد قرارداد با وکلای دادگستری مصوب ۱۳۴۵/۷/۳۰ چنین اشعار می‌دارد: "وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت جهت اقامه یا تعقیب یا دفاع دعاوی مربوط به خود در محاکم و مراجع قانونی یا مشاوره حقوقی مجازند با وکلای دادگستری قرارداد منعقد کنند" در تبصره ذیل همین ماده کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت که بعد از تاریخ ۱۳۴۵/۷/۳۰ بر طبق قوانین و مقررات مربوط تأسیس گردیده‌اند و یا ایجاد شوند مشمول مقررات همین مصوبه می‌داند که مواد بعدی قرارداد وکالت های مذکور را برای مورد خاص یا برای مدت معین می‌شناسد. (وطنی، ۱۳۶۹، ص ۲۸۳)

بنابراین در نتیجه دولت هم مثل سایر اشخاص در حقوق ایران و قوانین کشور ما حق داشتن وکیل را دارد و هم می‌تواند از وکلای رسمی دادگستری استفاده نماید و هم می‌تواند از نمایندگان قضایی خود استفاده نماید. اما در این مبحث لازم است از ارتباط داشتن حق وکیل با حقوق بین الملل هم ذکری به میان آوریم. در این رشته از حقوق، به اعضای جامعه بین المللی مشکل از کشورها و سازمان‌های بین المللی پرداخته شده (ضیایی بیگدلی، ۱۳۶۷، ص ۶۶) و خارج از مرزهای سیاسی کشورها بیشتر مد نظر است. در این رشته از حقوق در سطح بین المللی تحت عناوینی مثل "حمایت فرد در حقوق بین الملل" و "حمایت از حقوق بشر" موضوع حق داشتن وکیل مطرح می‌گردد. در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر چنین مقرر شده است. "هرکس به بزهکاری متهم شده باشد بی گناه است تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او معین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز گردد" کشورهای عضو سازمان ملل متحد ملزم و متعهد گردیده‌اند تا مقدمات اجرای حقوق مذکور در منشور و اعلامیه جهانی حقوق بشر را فراهم نمایند و کشور ما نیز این حقوق را پذیرفته و طبق تعهدات مطروحه این اعلامیه و منشور می‌بایستی چراغ راه و روشنگر طریق دست اندرکاران مسئول باشد و

شاید با الهام از این اعلامیه و سایر اعلامیه های جهانی و منطقه ای حقوق بشر بوده که موضوع حق داشتن وکیل در قوانین ما خصوصاً قانون اساسی رسوخ کرده است. (مبشری، ۱۳۶۳، ص ۲۳۶) پس از بررسی حقوق بین الملل عمومی به یکی دیگر از شاخه های حقوق عمومی با عنوان "آیین دادرسی مدنی" می پردازیم. در این شاخه حقوقی، آیین دادرسی مدنی بیان می شود و طبعاً می بایستی به حقوق خصوصی نسبت داده می شد تا به حقوق عمومی. اما به دلیل اینکه در یک طرف آن همیشه دولت و حاکمیت موجود بوده و دستگاه حاکم به جهت احقاق حق و اجرای عدالت ناگزیر از انجام عملیاتی است لذا قواعد و مقرراتی که حاکم بر روابط دولت و سازمانهای دولتی و ارکان حکومت با یکدیگر و بعضاً با مردم باشد "حقوق عمومی" خوانده می شود. (مدنی، ۱۳۶۳، ص ۲۳۶)

در قانون آیین دادرسی مدنی باب دوم وکالت در دعاوی، مسائل کلی وکالت در دعاوی مطرح شده است. وکالت مطروحه در امر دادرسی و مصطلح در دادگاه هایکی از جمله منابع مهمش قانون آیین دادرسی مدنی است که بسیاری از قواعد و مقررات آن حتی بر موارد حضور وکیل در دادرسی های کیفری هم حکومت می کند یعنی اگر در قوانین آیین دادرسی کیفری یا سایر قوانین نصی در این مورد (دخالت و حضور وکیل) وجود نداشت یا نقص و اجمال و ابهامی بود مطابق روح قوانین و نظر قانونگذار می توان از این قانون استفاده کرد. سؤالی که در این مقام مجال طرح می یابد این است که آیا حق داشتن وکیل با آزادی و مساوات افراد در جامعه منافات ندارد؟ جواب این سؤال منفی است چرا که اولاً: امکانات تعیین وکیل برای همه مردم و آحاد جامعه یکسان است و هیچ کس از مراجعه به وکیل منع نشده است. ثانیاً: باب معاضدت قضایی و وکالت تسخیری برای کسانی که امکان انتخاب وکیل و معرفی به دادگاه را از جنبه های مالی و اقتصادی ندارند باز است و به هر حال در هر موردی که افراد، صالح یا قادر برای دفاع از حقوق خودشان نباشند ولایت جامعه بر آنها ضرورت دارد و وکلای معاضدتی و تسخیری از سوی جامعه و دستگاه حاکم به دفاع از افراد بی بضاعت می پردازند و این نقیصه اجتماعی از بعد اقتصادی با تأسیس های حقوقی مذکور جبران می شوند. در پایان این مبحث باید اذعان نمود که حق داشتن وکیل یک حق صد در صد خصوصی برای افراد و اشخاص و جمعیت ها اعم از خصوصی و عمومی بوده و با یک چنین ماهیتی به حقوق عمومی وارد شده و جنبه حمایتی گسترده ای پیدا نموده است در حالی که بهتر است از باب نظر به آزادی های عمومی آن را یک حق عمومی اشخاص حقیقی یا حقوقی یک جامعه بدانیم. این حق جزء قواعد آمره است و در صورت وارد شدن هرگونه خللی به آن، نظم عمومی، اخلاق حسنه و انتظام اجتماع به هم خواهد خورد.

#### ۴- حق داشتن وکیل در دادگاه های اطفال و اداری:

یکی از مسائل مبتلابه جامعه "حق برخورداری از وکیل در دادگاه ها" است. همه کسانی که به دادگاه های ایران مراجعه می کنند می توانند وکیل داشته باشند تا هم به جای آنها و هم در کنار آنها از حقوق ایشان دفاع کند این حق مسلم و قانونی، امروز به عنوان یکی از بدیهی ترین حقوق شهروندان در تمام نقاط دنیا شناخته شده و همان طور که در مباحث قبلی هم بیان شد این حق در اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر و حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی پیش بینی شده است. لذا اصحاب دعوی حق انتخاب وکیل دارند و کلیه دادگاه هایی که تشکیل می شود مکلف به پذیرش وکیل می باشند. (ملکی، ۱۳۸۱، ص ۱۲) سؤالی که در این مبحث مطرح می گردد این است که وکالت در دادگاه های اطفال و اداری به چه نحو انجام می شود و قانونگذار چه تمهیداتی برای دسترسی تمام مردم به خدمات وکلانندیشیده است؟

#### ۴-۱- حق داشتن وکیل در دادگاه اطفال

از جنبه حق داشتن وکیل برای متهمین بزهکار در این دادگاه ها اولاً: قانون عام مصوب ۱۱ مهر مجمع تشخیص مصلحت نظام و آیین دادرسی کیفری ثانیاً: با توجه به قانون خاص مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار که هنوز نه صریحاً و نه ضمناً نسخ نشده است مصوب ۱۰ آذرماه ۱۳۳۸ مواد ۹ و ۱۱ پیش بینی حضور وکیل مدافع را می کند که می توان به آن استناد کرد. ماده ۱۱ قانون مذکور صراحت دارد که: "هرگاه اتهام از درجه جنایت باشد دادگاه به سرپرست قانونی طفل اعلام می نماید که وکلی برای او تعیین نموده یا شخصاً برای دفاع در دادگاه حاضر شود، هرگاه سرپرست اقدام به تعیین وکیل ننماید و شخصاً نیز در دادگاه حاضر نشود چنانچه دادگاه مداخله وکیل را ضروری تشخیص دهد وکیل تسخیری برای طفل تعیین خواهد نمود در امور جنحه و خلاف فقط سرپرست می تواند در دادگاه حاضر شده و از او دفاع نماید. (ملک اسماعیلی، بی تا، ص ۱۱)

#### ۴-۲- حق داشتن وکیل در دادگاه های اداری

در قانون مربوط به دادگاه های اداری در ارتباط با رسیدگی به تخلفات اداری و آیین نامه مذکور هیچ اثری از حق داشتن وکیل به چشم نمی خورد و اگرچه بسیاری از وکلادر عنوان های تبلیغی خود دفاع از افراد در دادگاه های اداری و یا نوشتن لایحه در جهت استفاده در دادگاه های مذکور را دارند اما در حقوق موضوعه ما اثر صریحی در این ارتباط به چشم نمی خورد و اگرچه حق این بود که مد نظر قانونگذار قرار می گرفت ولی می توان گفت در این مورد ها نیز وکیل حق حضور دارد. (میرحسینی و عباسی، ۱۳۷۸، ص ۸۷)

## نتیجه گیری

عقل و انصاف حکم می کند که با پیچیده شدن مسائل حقوقی، به ویژه در امور کیفری که با آبرو و حیثیت و جان و عرض افراد در ارتباط است، متهم بتواند در دفاع از خود که مستلزم آگاهی از قوانین و مسائل خصوصی است برای نیل به دادرسی عادلانه از وجود وکیل مدافع برخوردار شود. اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در راستای تأمین حقوق و آزادی های فردی متهم حق برخورداری از معاضدت وکیل مدافع را در کلیه مراحل دادرسی برای او پیش بینی کرده است. بنابراین در این مقاله در مبحث اول به حق داشتن وکیل از منظر حقوق بشر پرداخته و نتیجه گرفتیم که حق داشتن وکیل در منطوق بسیاری از قواعد آمره بین المللی لحاظ گردیده و نیروی الزام آور خود را نشان داده است. در اعلامیه جهانی حقوق بشر و در ماده ۱۱ و ایضاً در میثاق حقوق مدنی، سیاسی حق داشتن وکیل در محاکم صراحتاً بیان شده و کشورها با تبعیت از این مقررات که در عرصه بین المللی واجد ضمانت اجرای خوبی گردیده، کوشیده اند در قوانین موضوعه خود و در مقیاس بالاتر در قانون اساسی این حق را برای متهمین، با لحاظ تمهیداتی در جهت اجرای بهینه این اصول در نظر بگیرند. علی الاصول رویه جاری برای کشورهای ناقض حقوق بشر صدور قطعنامه از سوی کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و در درجه بالاتر تحریم های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... است. این عامل علاوه بر تبعات سوئی که دارد باعث مخدوش شدن چهره بین المللی کشور خاطی در نزد اذهان مجامع بین المللی شده و منجر به طرد جهانی می شود، فلذا کشورها می کوشند هر چند به صورت ظاهری و نمادین هم که شده خود را با معیارهای نوین حقوق بشر تطبیق داده و در مورد حق داشتن وکیل نیز که امروزه به واسطه جرائم بین المللی در زمره حقوق بشر قرار گرفته، اصول فوق را رعایت و مقرراتی جهت سهولت متقاضیان به وکیل در قوانین خود وضع نمایند. اما در مبحث دوم به جایگاه حقوقی حق داشتن وکیل و ارتباطش با حقوق خصوصی، جزا و عمومی پرداختیم و نتیجه مهمی که در این بین گرفتیم این است که "اصل حق داشتن وکیل" یک حق صد در صد خصوصی بوده و بهتر بگوییم جزء حیطه حقوق خصوصی بوده و به مرور به حقوق عمومی پیوسته و در واقع امروزه ماهیت حقوق عمومی پیدا کرده است. نظام های مختلف حکومتی جهت صیانت این حق آن را در زمره حقوق اساسی ملت ها آورده و اکثراً این حق را در قانون اساسی کشورهای خود از جمله کشور ایران قید می نمایند.

### منابع

- آخوندی، محمود، (۱۳۶۸)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انصاری، ولی الله، (۱۳۷۵)، *حقوق تحقیقات جنائی "مطالعه تطبیقی"* جلد اول، انتشارات دانشگاه ملی.
- ابوالحمد، عبدالحمید، (بی تا)، *حقوق اداری ایران*، تهران، انتشارات طوس، شرکت افست سهامی عام (چاپخانه ۱۷ شهریور)
- جداری فروغی، محمدعلی، (۱۳۸۰/۱/۲۸)، *متهم و حق داشتن وکیل*، نشریه صدای عدالت، شماره ۴، صفحه ۳.
- جانسون، گلن، (۱۳۷۸)، *اعلامیه جهانی حقوق بشر و تاریخچه آن*، ترجمه محمدجعفر پوینده، چاپ چهارم، تهران، انتشارات نی.
- خلعتبری، ارسلان، (۱۳۸۳)، *شرکت وکیل در تحقیقات بازپرس*، مجله کانون وکلا، شماره ۴۸، صفحه ۷۷.
- ریاحی، غلام علی، (۱۳۸۰/۶/۲۰)، *حق داشتن وکیل*، نشریه نوروز، صفحه ۱۲.
- شهری، غلامرضا، (۱۳۶۸)، *حقوق ثبت*، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۶۷)، *حقوق بین الملل عمومی*، چاپ رشدیه.
- عراقی، احمد، (۱۳۳۱)، *حقوق اساسی ایران*، چاپ اقبال.
- عبادی، شیرین، (۱۳۷۳)، *تاریخچه و اسناد حقوق بشر در ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات روشنگران.
- دکتر فاخر، (۱۳۵۷)، *تفسیر منشور و تشریح سازمان ملل*، انتشارات طلوع.
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، (۱۳۷۷)، *فلسفه حقوق*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دادگستر.

- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۷۸)، *مبانی حقوق عمومی*، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.  
- متین دفتری، احمد، (۱۳۴۸)، *حقوق بشر و حمایت بین المللی آن*، تهران، چاپخانه بهمن.  
- مدنی، سید جلال الدین، (۱۳۷۸)، *حقوق بین الملل خصوصی "۱" و "۳"*، چاپ اول، تهران، انتشارات پایدار.

- مدنی، سیدجلال الدین، (۱۳۶۳)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

- ملک اسماعیلی، رحمت، (بی تا)، *دادگاه مخصوص اطفال*، مجله شهرنایی، شماره ۲۳، صفحه ۱۱.  
- میرحسینی، سید حسن و عباسی، محمود، (۱۳۷۸)، *حقوق و تخلفات اداری*، چاپ اول، تهران، انتشارات حقوق.

- ملکی، علی، (۱۳۸۱/۱۰/۲۵)، *آیین دادرسی کیفری در دادگاه ها و حق داشتن وکیل*، سال یازدهم، شماره ۲۹۵۸، صفحه ۱۲.

- مبشری، اسدالله، (۱۳۶۳)، *حقوق بشر، چاپ اول، تهران*، انتشارات دفتر نشر فرهنگ اسلامی.  
- ناصرزاده، هوشنگ، (۱۳۷۲)، *آیین دادرسی کیفری سلب آزادی تن و ...*، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

- ناصرزاده، هوشنگ، (۱۳۷۲)، *اعلامیه های حقوق بشر*، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.  
- وطنی، محمدحسین، (۱۳۶۹)، *مجموعه کامل قوانین و مقررات استخدامی*، تهران، انتشارات گنج دانش.

- هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۸)، *حقوق اساسی*، جلد اول، چاپ سوم، تهران، انتشارات دادگستر.  
- هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۸)، *حقوق اساسی*، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات مجتمع آموزش عالی قم.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی